٣٤

پنجشنبه ۲۵ اوت ۹۴ / سوم شهریور ۱۳۷۳

ژاله عزیز و مهربان

با سلام، پیامی از نامه مهرآمیزت، نگران من مباش. می‌گویند آب هم با همهٔ زلالی‌اش اگر مدتی راکد در جا بماند می‌گندد. داستان من هم است که با همهٔ نیکی‌ها و ... . در آخر دیدم هر از این اتاق فرار کردم که چه برایم وسیله‌ای است حکومت‌ها و دولت‌ها به دلایل عرفانی. در حالی که من همه روابط چندساله خودم را با ایشان گذاشتم به پای ترس و دوستی [illegible] و این را به گناهی از کجا بخواهم. اما وقتی که در [illegible] کار کردن [illegible] ولی درک می‌خواهد که هر کس بیشتر از آن که شنیده‌ای در این رابطه عجب نبوده که آنها هم که توان پس ندارند در سکوت قربانی قرار گرفته که ایثار خود شده‌اند.

از خاطره‌ای که داری و گفته شده متوجه شدم که تا [illegible] هم است. یک بار هست دیگر فعالیت‌های حقوق بشر هستم و فقط در تمیز دو تا هم به طور مرتب در علم رجال که با نقشه‌های [illegible] در جهان نشر، و به طور [illegible] در مراسم یادبود خاوران در کالیفرنیا و [illegible] در تورنتو کانادا.

در پایان کنفرانس دو روزه‌ای که در ۲۰ و ۲۱ آوریل به عنوان «انجمن [illegible] فرهنگ ایران» در واشنگتن برگزار شد و اداره کنفرانس به عهدهٔ من گذاشته بودند میزگردی داشتیم در دفاع از زندانیان سیاسی که [illegible] ایران رفت. نشستن از [illegible] که [illegible] بود، با [illegible]، دکتر [illegible] از علم رجال، با کتاب [illegible] در راه آزادی و شیرین حکمت از [illegible] جمهوری اسلامی. چون اداره این میزگرد به عنوان آخرین برنامه کنفرانس با من بود، بی‌هیچ مقدمه‌ای و بدون [illegible] آنها در ذهنم گذشت و [illegible] که [illegible] در دفاع از [illegible] و [illegible] در [illegible] ایران [illegible] خاوران [illegible] آن [illegible] . در این [illegible] به این هم توجه می‌شد.

این حرف با استقبال و پشتیبانی همراهان روبرو شد و در پی آن در [illegible] کار [illegible] که در این رابطه فراخوانی تهیه شده که برایت این قطع را می‌فرستم. چشم راه پشتیبانی در این رابطه و توجه شما به همکاری و پشتیبانی هم، که قطعاً جای دوری نمی‌رود. بقیه را می‌گذارم برای نامه‌ای دیگر

با سلام مجدد

با مهر و درود

گودرز